

نقش تعدیل کننده استحکام من در رابطه بین سبک های دلبستگی و سطوح سازگاری زوجین

مولود سیوندیان^۱، محمدعلی بشارت^۲، مجتبی حبیبی عسگرآباد^{۳*}، علی مقدم زاده^۴

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، گروه روان شناسی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استاد روان شناسی بالینی، گروه روان شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استادیار روان شناسی سلامت، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۴. استادیار سنجش و اندازه گیری، گروه روان شناسی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: مجتبی حبیبی عسگرآباد، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

mo_habibi@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: بهمن ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: دی ۱۳۹۴

نحوه استناد به این مقاله:

Sivandian M, Besharat MA, Habibi Asgarabad M, Moghadamzade A. The Moderating Role of Ego Strength on the Relationship between Attachment Styles and Marital Adjustment. *Community Health* 2016; 3(1): 41-53.

چکیده

زمینه و هدف: سازگاری در روابط زوجین بر ابعاد گوناگون کیفیت زندگی از جمله سلامت روانی و جسمانی تأثیرگذار است. پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش تعدیل کننده استحکام من در رابطه بین سبک های دلبستگی و سطوح سازگاری زوجین، انجام گرفت.

روش و مواد: تعداد ۳۰۰ فرد متأهل (۱۵۰ مرد، ۱۵۰ زن) در این پژوهش شرکت کردند. شرکت کنندگان مقیاس های دلبستگی بزرگسال (AAI)، وضعیت زناشویی Golombok-Rust (GRIMS) و مقیاس استحکام من (ESS) را تکمیل کردند.

یافته ها: سبک دلبستگی ایمن ($r = -0.289, P < 0.05$) و استحکام من ($r = -0.427, P < 0.05$) با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و سبک های دلبستگی اجتنابی ($r = 0.302, P < 0.05$) و دوسوگرا ($r = 0.251, P < 0.05$) با سازگاری زناشویی رابطه منفی داشتند. نتایج تحلیل نشان داد که استحکام من فقط در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی نقش تعدیل کننده داشت ($P = 0.039$). زوجینی که دلبستگی اجتنابی در خانواده آنان بیشتر بود اگر استحکام من کمتری داشتند، سازگاری زناشویی در آنان کمتر بود و اگر استحکام من بیشتری داشتند، سازگاری زناشویی در آنان بیشتر بود. بنابراین، یافته های پژوهش نشان دادند که سبک های دلبستگی و استحکام من توان پیش بینی سازگاری زناشویی را دارند.

نتیجه گیری: مطالعه نشان داد که سبک های دلبستگی و استحکام من توان پیش بینی سازگاری زناشویی را دارند.

واژه های کلیدی: دلبستگی، استحکام من، سازگاری زناشویی

مقدمه

اشاره دارد که شکل پاسخ های رفتاری افراد را به جدایی از نگره های دلبستگی و پیوند مجدد با این نگره ها تعیین می کند. این سبک ها که عمدتاً بر اساس تجربه های کودک مادر (مراقب) شکل می گیرد، در طول زندگی نسبتاً پایدار می ماند، و بر تعامل های اجتماعی تأثیرگذار است (۷). Hazan و Shaver با استفاده از سبک های

سازگاری زناشویی یک فرآیند در حال تغییر مداوم است و به عنوان توانایی سازش و حل مشکلات در نظر گرفته می شود که افراد از طریق آن، به درک و پذیرش تفاوت های فردی وابسته به رشد می رسند (۲۳). سبک های دلبستگی به مدل های درونکاری معینی از دلبستگی

روابط صمیمانه به حل بحران‌های مراحل مختلف زندگی و اکتساب استحکام من وابسته است. بر اساس نظریه رشد روانی Erikson مطرح می‌کند که موفقیت در هر مرحله زندگی به موفقیت در حل بحران مراحل قبلی زندگی نیازمند است، آنهایی که استحکام من بیشتری دارند، توانایی بهتری برای مقابله با تعارضات زناشویی، و در نتیجه رضایت زناشویی بیشتری دارند. علاوه بر این افراد با استحکام من بالاتر روابط صمیمی بیشتری با همسران خود دارند، در رابطه خود با همسر و خانواده‌شان متعهدترند و مسئولیت بیشتری در قبال خانواده و فرزندان‌شان احساس می‌کنند. آنها همچنین در به اشتراک گذاشتن عقایدشان با دیگران بهترند. روابط جنسی بهتر، فهم و درک طرف مقابل و ابراز عواطف از ویژگی‌های دیگر این افراد است. استحکام من بیشتر با آگاهی از خود بالاتر همراه است. به این معنی که افراد با استحکام من بیشتر می‌توانند در روابط با همسر نیازهای خود را به گونه‌ای مناسب‌تر بیان کنند (۲۱). کچویی و فتحی آشتیانی (۲۱) مطرح کردند که افراد با استحکام من بالاتر رضایت زناشویی بیشتری دارند. افرادی که تاب آوری من بالاتری دارند به دلیل داشتن رویکردی انعطاف پذیر به زندگی، در مواجهه با تکالیف دشوار و استرس زا دچار آشفتگی و مشکلات هیجانی نمی‌شوند (۹). افراد با استحکام من بالا، عواطف مثبت بیشتر، سطوح بالاتری از اطمینان به خود و سازگاری روانشناختی بیشتری نسبت به افرادی با استحکام من پایین تجربه می‌کنند (۲۲). سبک‌های دلبستگی بر شیوه مدارا با استرس‌ها و برخورد با وقایع تروماتیک و حوادث تهدید کننده زندگی تأثیر دارند، به طوری که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، در مقایسه با سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا، در چنین شرایطی بهتر مقابله می‌کنند و از سلامت روان بهتری برخوردارند (۱۳). استحکام من و زیر مؤلفه‌های آن (تاب آوری من و مهار من) تحت تأثیر دلبستگی رشد پیدا می‌کند و بر سازگاری افراد تأثیر می‌گذارد. ایمنی در دلبستگی به عنوان یک عامل محافظت کننده برای تاب آوری من و به عنوان یک عامل ایجاد کننده تاب آوری در اوایل زندگی عمل می‌کند. ایمنی در دلبستگی و تاب آوری من منجر به توانایی تنظیم مؤثر و کاهش پاسخ‌های

دلبستگی مطرح شده توسط Ainsworth و همکاران (۱) سه سبک دلبستگی بزرگسالی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا را مطرح کردند. Hazan و Shaver اظهار داشتند که سبک دلبستگی، کیفیت روابط زناشویی و نوع نگرش افراد به روابط صمیمی را پیش بینی می‌کند (۱۸). همان گونه که انتظار می‌رود، تحقیقات بسیاری ثابت کرده‌اند که افراد با سبک دلبستگی ایمن، نسبت به افراد با سبک دلبستگی نایمن، سازگاری بیشتری در روابط خود دارند (۱۲-۱۰). افراد با سبک دلبستگی اجتنابی، اهمیت برقراری روابط صمیمی را نادیده می‌گیرند و احتمالاً کمتر توسط همسران خود حمایت می‌شوند (۱۰). افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا در خصوص ارزشمندی خود، تردید دارند و نگرانند که از جانب همسر خود طرد شوند، ممکن است در روابط خود حسادت و خشم بیشتری نشان دهند و به دنبال تأیید بیشتری از جانب همسران خود باشند (۱۱ و ۱۲). در مطالعه ای که در شهر تهران با مشارکت افراد متأهل انجام شد، نشان داده شد که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با رضایت زناشویی، رابطه منفی معنی دار و سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی، رابطه مثبت معنی دار دارند (۶). با استناد به شواهد پژوهشی موجود، یکی از مسائل مورد مطالعه در پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سطوح سازگاری زوجین است. اما آیا این رابطه یک رابطه ساده است یا متغیرهای دیگری ممکن است این رابطه را تعدیل کنند؟

استحکام من متغیری است که در پژوهش حاضر فرض می‌شود از متغیرهای تعدیل کننده رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی باشد. مفهوم استحکام من بیانگر عملکرد روانی افراد در ارتباط با خود و محیط است. عناصری که با هم توانمندی کلی من را می‌سازند، شامل توانایی افراد برای تحمل اضطراب، ظرفیت فرد برای تعدیل و کانالیزه نمودن فشارهای غریزی و مطالبات فرامن هستند (۲۵). رابطه قابل توجهی بین استحکام من و رضایت زناشویی تأیید شده است (۲۱). استحکام من به عنوان یک عنصر مهم در رشد و پختگی شخصیت برای برقراری روابط صمیمی مطرح می‌شود. در رابطه با نظریه Erikson، داشتن یک شخصیت رشد یافته، برای برقراری

هیجانی و عاطفی به وقایع بد شخصی و مشکلات سلامت می‌شوند و از بهزیستی افراد محافظت می‌کنند (۲۹). سبک دلبستگی ایمن باعث تقویت تاب آوری من (توسط ایجاد رویکردی مثبت و خوش بینانه به زندگی در نتیجه تجربه ایمنی در روابط اولیه) و در نتیجه سازگاری و سلامت بهتر می‌شود (۹). تاب آوری و مهار من (که با هم استحکام من را تشکیل می‌دهند) را می‌توان به عنوان ابعاد رشدی پیوسته و مداوم در نظر گرفت که کیفیت دلبستگی در چگونگی بیان و آشکار شدن آن نقش دارد و بر سازگاری نیز تأثیر بسزا دارند. ایمنی در دلبستگی یکی از عوامل اساسی است که بر روند موفقیت آمیز رشد من اثر می‌گذارد. زمانی که مراقب حساس و پاسخگو است، نیازهای رشدی من، در هر مرحله به نحو مناسبی ارضا می‌شود و روند رشد به صورت بهنجار طی می‌شود که نتیجه آن شکل گیری یک من مستحکم در فرد است. کودک در تعامل مکرر با منبع دلبستگی حساس، یاد می‌گیرد که تلاش‌های وی برای حل مسئله کار آمد است و در می‌یابد دیگران قابل اعتماد و خوش نیت هستند. این عوامل منجر به شکل گیری رویکردی باز و گشوده نسبت به زندگی و مشکلات آن می‌شود. تمام این عوامل از رشد استحکام من و سازگاری بیشتر در فرد حمایت می‌کند (۱۹). از طرف دیگر، تجربه نایمنی در دلبستگی، به دلیل غفلت از ارضای نیازهای مرتبط با هر مرحله از رشد، در روند رشد من و طی کردن موفقیت آمیز مراحل اختلال ایجاد می‌کند (۳). و در فرد این احساس را پرورش می‌دهد که دیگران غیر قابل اعتماد هستند و منجر به ادراک خود کارآمدی پایین در حل مسئله می‌شود (۱۶).

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا رابطه بین سبک های دلبستگی و سازگاری زناشویی یک رابطه خطی ساده است یا متغیرهایی مثل استحکام من این رابطه را تعدیل می‌کنند؟ بنابراین این مطالعه با هدف تعیین نقش تعدیل کننده استحکام من در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی انجام شد.

روش و مواد

روش پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی و جامعه آماری کلیه زوجین شهر اصفهان بودند. جمعیت هدف در این

مطالعه، کلیه زوجین شهر اصفهان در سال ۱۳۹۳ بود که با توجه به این که حجم نمونه در پژوهش‌های تعدیل کننده باید حداقل ۱۰۰ نفر باشد (۱۵)، و با توجه به ریزش احتمالی ۱۵۰ زوج یعنی ۱۵۰ مرد و ۱۵۰ زن به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. روش انتخاب نمونه در این پژوهش به صورت نمونه گیری در دسترس و ملاک‌های ورود در پژوهش عبارت بود از: گستره سنی ۱۸ تا ۶۰ سال، گذشتن حداقل دو سال از ازدواج و عدم درخواست طلاق هنگام پژوهش. پس از توضیح اهداف پژوهش برای شرکت‌کنندگان، تأکید بر رازداری و استفاده از نتایج برای امور پژوهشی و علمی، از آنها خواسته شد تا به پرسشنامه‌های وضعیت زناشویی Golombok-Rust (GRIMS, Rust و همکاران، ۱۹۸۸)، مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI, Hazan و Shaver، ۱۹۸۷) هنجاریابی، بشارت، ۱۳۸۴ و (۲۰۱۱) مقیاس استحکام من (ESS، بشارت، ۱۳۸۶) پاسخ دهند. برای افراد نمونه مورد بررسی توضیح مختصری در مورد موضوع و اهداف پژوهش داده شد. همچنین تأکید شد که اطلاعات شخصی آنها محرمانه خواهد ماند و ذکر نام در پرسشنامه‌ها ضرورتی ندارد، سپس پرسشنامه‌های پژوهش به صورت یک مجموعه با ترتیب‌های متفاوت به آنها داده شد و از آنها خواسته شد تا با دقت سؤالات را خوانده و پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند.

پرسشنامه وضعیت زناشویی Golombok-Rust

(GRIMS): پرسشنامه GRIMS در سال ۱۹۸۸ برای اولین بار توسط Nfer-Nelson ساخته شد و در سال ۲۰۰۷ توسط Golombok و Rust بازنگری و منتشر شد (۲۶). این پرسشنامه به منظور سنجش کیفیت رابطه بین زوج‌های متأهل طراحی شده است و یک نمره نهایی برای کیفیت رابطه از نظر زن و مرد به صورت جداگانه ارائه می‌دهد. یک مقیاس ۲۸ سؤال چهار گزینه‌ای (مخالف، کاملاً مخالف، موافق و کاملاً موافق) است که بین صفر تا سه نمره گذاری شده‌است. از این رو نمره کل این پرسشنامه بین صفر تا ۸۴ در نوسان است. نمره بالا نشان‌دهنده وخیم بودن کیفیت زندگی زناشویی است، یعنی هرچه نمره افراد در این مقیاس بالاتر باشد، نشان می‌دهد که کیفیت زندگی زناشویی فرد پایین تر است. در زمینه

نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در سبک دلبستگی ایمن و زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی منفی معنادار (از $r=0/61$ تا $r=-0/83$) و با زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی منفی معنادار (از $r=0/39$ تا $r=0/41$) وجود دارد. بین نمره آزمودنی‌ها در سبک‌های دلبستگی نا ایمن و زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخصی همبستگی مثبت معنادار (از $r=0/26$ تا $r=0/45$) و با زیرمقیاس‌های حرمت خود همبستگی منفی و اما غیر معنادار به دست آمد. این نتایج نشان دهنده درستی کافی مقیاس دلبستگی بزرگسال است. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازه مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تأیید قرار داد (۷).

مقیاس استحکام من (ESS): مقیاس استحکام من، یک ابزار خود گزارشی ۲۵ سؤالی است و برای اندازه‌گیری سطح توانمندی من در مهار و مدیریت موقعیت‌ها و مشکلات زندگی ساخته و هنجاریابی شده است (۵). این مقیاس واکنش‌های فرد به موقعیت‌های دشوار زندگی را در یک مقیاس پنج درجه ای لیکرتی از یک (خیلی کم) تا پنج (خیلی زیاد) برحسب پنج زیر مقیاس مهار من، تاب آوری من، مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته، راهبردهای مقابله مسئله محور، و راهبردهای مقابله هیجان محور مثبت می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر یک از زیرمقیاس‌های استحکام من به ترتیب پنج و ۲۵ است. از مجموع نمره پنج زیرمقیاس آزمون، نمره کل فرد برای استحکام من از ۲۵ تا ۱۲۵ محاسبه می‌شود. ویژگی‌های روان سنجی مقیاس استحکام من در چندین پژوهش انجام شده در طول سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۰ در نمونه‌های بیمار ($n=327$) و بهنجار ($n=1257$) انجام شده‌اند، مورد بررسی و تأیید قرار گرفته‌اند (۴ و ۵). در این پژوهش‌ها، ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های زیرمقیاس مهار من از ۷۵ تا ۰/۸۷، برای تاب آوری من از ۷۷ تا ۰/۹۰، برای مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته از ۷۷ تا ۰/۸۹، برای راهبردهای مقابله مسئله محور از ۷۶ تا ۰/۹۱، برای راهبردهای مقابله هیجان محور مثبت از ۷۳ تا ۰/۸۶ و برای نمره کل مقیاس استحکام من از ۸۰

پایایی این پرسشنامه، Golombok و Rust در سال ۱۹۹۰، آلفای کرونباخ آن را برای مردان ۰/۸۵ و برای زنان ۰/۸۹ گزارش کردند. در فرم فارسی این پرسشنامه، پایایی آن به شیوه آلفای کرونباخ برای زنان ۰/۹۱ و برای مردان ۰/۸۹ به دست آمد (۶).

مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI): مقیاس دلبستگی بزرگسال، که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی Hazan و Shaver (۱۸) ساخته و در مورد نمونه‌هایی از دانشجویان و جمعیت عمومی هنجاریابی شده است (۷)، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در اندازه‌های پنج درجه ای لیکرت (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های آزمون به ترتیب پنج و ۲۵ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی ($n=148$)، ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۴ و ۰/۸۵، برای دانشجویان دختر ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۴ و ۰/۸۵، برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش پایایی باز آزمایی محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۴، برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۲، ۰/۸۵ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۸، ۰/۸۳ و ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانه پایایی باز آزمایی رضایت بخش ۰/۸۰، ۰/۶۱ مقیاس است. روایی محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۱۵ نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۵۷، ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همزمان مقیاس دلبستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاس‌های "مشکلات بین شخصی" و "حرمت خود Cooper Smith" در مورد یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها ارزیابی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون

تا ۰/۹۳ به دست آمد. این ضرایب همسانی درونی مقیاس استحکام من را تایید می کنند. پایایی باز آزمایشی مقیاس استحکام من برای نمونه های بیمار ($n=122$) و بهنجار ($n=274$) در دو نوبت با فاصله های ۲ تا ۴ هفته برای مهار من از ۰/۶۴ تا ۰/۷۳، برای تاب آوری من از ۰/۷۱ تا ۰/۸۴، برای مکانیسم های دفاعی رشد یافته از ۰/۷۰ تا ۰/۸۵، برای راهبردهای مقابله مساله محور از ۰/۶۷ تا ۰/۷۸، برای راهبردهای مقابله هیجان محور مثبت از ۰/۶۹ تا ۰/۸۱ و برای نمره کل مقیاس استحکام من از ۰/۷۳ تا ۰/۸۸ به دست آمد. این ضرایب که همه در سطح $P < 0/001$ معنادار هستند، پایایی بازآزمایی مقیاس استحکام من را تایید می کنند.

یافته ها

از مجموع ۳۰۰ نفر افراد مورد بررسی ۱۵۰ نفر زن و ۱۵۰ نفر مرد بودند. ۴۱٪ شرکت کنندگان شاغل در مراکز دولتی، ۲۲/۷٪ شاغل در مراکز غیر دولتی و ۳۶/۳٪ بی کار و دانشجو بودند. بیشتر شرکت کنندگان تحصیلات دیپلم (۴۱/۷٪) و لیسانس (۳۱/۷٪) داشتند. میانگین (انحراف معیار) سن شرکت کنندگان در مطالعه ۳۷/۱ (۱۰/۷) و مدت زمان ازدواج آنها ۱۳/۴ (۱۱/۱)

سال بود.

جدول شماره ۱ شاخص های آماری نمره های سبک های دلبستگی، سازگاری زناشویی و استحکام من را نشان می دهد.

جدول شماره ۱- شاخص های آماری سبک های دلبستگی، سازگاری زناشویی و استحکام من

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار
	ایمن	۴/۲	۱/۳
سبک دلبستگی	اجتنابی	۲/۰	۱/۴
	دوسوگرا	۲/۲	۱/۶
سازگاری زناشویی		۲۴/۶	۱۱/۶
استحکام من		۸۴/۱	۱۴/۷

در جدول شماره ۲ نشان داده شده است که سازگاری زناشویی با سبک دلبستگی ایمن ($r=0/29, P<0/05$) و استحکام من ($r=0/43, P<0/05$)، رابطه مثبت معنی دار و با سبک دلبستگی اجتنابی ($r=0/3, P<0/05$) و سبک دلبستگی دوسوگرا ($r=0/25, P<0/05$) رابطه منفی معنی دار دارد.

جدول شماره ۲- ضرایب همبستگی متغیرهای سبک های دلبستگی، سازگاری زناشویی، مکانیسم های دفاعی و استحکام من

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱ سازگاری زناشویی	۱				
۲ استحکام من	-۰/۴۳	۱			
۳ سبک دلبستگی ایمن	-۰/۲۹	۰/۲۳	۱		
۴ سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۳۰	-۰/۱۶	-۰/۴۱	۱	
۵ سبک دلبستگی دوسوگرا	۰/۲۵	۰/۱۹	-۰/۲۰	-۰/۵۵	۱

به عنوان متغیر پیش بین وارد معادله شد (جدول شماره ۳). با توجه به جدول شماره (۳) در گام اول که تنها نمره استاندارد سبک دلبستگی ایمن وارد معادله رگرسیون شده است، ضریب رگرسیون معنادار است ($P < 0/001$)، $B = -0/3$ ، یعنی زیرمقیاس دلبستگی ایمن قدرت معناداری در پیش بینی سازگاری زناشویی دارد. در گام

برای تعیین اثر تعدیل کننده استحکام من، از نمرات استاندارد متغیرها و رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. متغیر وابسته، سازگاری زناشویی زوجین بود. در گام اول سبک دلبستگی ایمن، در گام دوم سبک دلبستگی ایمن و استحکام من و در گام سوم اثر تعدیل کننده استحکام من به شکل تعامل سبک دلبستگی ایمن و استحکام من،

دلبستگی ایمن و استحکام من نیز وارد معادله شده است و مشاهده می شود این تعامل معنادار نیست ($P > 0.05$)، $B = 0.03$ در نتیجه اثر تعدیل کننده وجود ندارد. با توجه به جدول شماره ۴ در گام اول که تنها نمره

دوم متغیر استحکام من نیز وارد معادله رگرسیون شده است که ضریب رگرسیون آن معنادار است ($P < 0.001$)، $B = -0.04$ یعنی استحکام من به میزان زیادی سازگاری زناشویی را پیش بینی می کند. در گام سوم، تعامل

جدول شماره ۳- اثر تعدیل کننده استحکام من بر سبک دلبستگی ایمن و سازگاری زناشویی

مدل	B	β	T	P
۱ (ثابت)	-۴/۲		۰	۱
Z سبک دلبستگی ایمن	-۰/۳	-۰/۳	-۵/۲	۰/۰۰۱
۲ (ثابت)	-۱/۸		۰	۱
Z سبک دلبستگی ایمن	-۰/۲	-۰/۲	-۳/۸	۰/۰۰۱
Z استحکام من	-۰/۴	-۰/۴	-۷/۲	۰/۰۰۱
۳ (ثابت)	-۰/۰۰۶		-۰/۲	۰/۹
Z سبک دلبستگی ایمن	-۰/۲	-۰/۲	-۳/۵	۰/۰۰۱
Z استحکام من	-۰/۴	-۰/۴	-۷/۲	۰/۰۰۱
Z سبک دلبستگی ایمن* Z استحکام من	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۵	۰/۶

متغیر ملاک: سازگاری زناشویی (استاندارد شده)

جدول شماره ۴- اثر تعدیل کننده استحکام من بر سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی

مدل	B	β	T	P
۱ (ثابت)	-۵/۰		۰	۱
Z سبک دلبستگی ایمن	۰/۳	۰/۳	۴/۵	۰/۰۰۱
۲ (ثابت)	-۲/۵		۰	۱
Z سبک دلبستگی ایمن	۰/۲	۰/۲	۴/۷	۰/۰۰۱
Z استحکام من	-۰/۴	-۰/۴	-۷/۶	۰/۰۰۱
۳ (ثابت)	-۰/۰۲		۰/۴	۰/۷
Z سبک دلبستگی ایمن	۰/۲	۰/۲	۴/۵	۰/۰۰۱
Z استحکام من	-۰/۴	-۰/۴	-۷/۴	۰/۰۰۱
Z سبک دلبستگی ایمن* Z استحکام من	-۰/۱	-۰/۱	-۲/۱	۰/۰۴

متغیر ملاک: سازگاری زناشویی (استاندارد شده)

مشاهده می شود این تعامل معنادار است ($P < 0.05$)، $B = -0.1$ در نتیجه اثر تعدیل کننده وجود دارد. با توجه به جدول شماره ۵ در گام اول که تنها نمره استاندارد سبک دلبستگی دوسوگرا وارد معادله رگرسیون شده است، ضریب رگرسیون معنادار است ($P < 0.05$)، $B = 0.03$ یعنی زیرمقیاس دلبستگی دوسوگرا قدرت معناداری در پیش بینی سازگاری زناشویی دارد. در گام دوم متغیر استحکام من نیز وارد معادله رگرسیون شده است که ضریب رگرسیون آن معنادار است ($P < 0.001$)، $B = -0.04$

استاندارد سبک دلبستگی ایمن وارد معادله رگرسیون شده است، ضریب رگرسیون معنادار است ($P < 0.001$)، $B = 0.03$ یعنی زیرمقیاس دلبستگی ایمن قدرت معناداری در پیش بینی سازگاری زناشویی دارد. در گام دوم متغیر استحکام من نیز وارد معادله رگرسیون شده است که ضریب رگرسیون آن معنادار است ($P < 0.001$)، $B = -0.04$. یعنی استحکام من به میزان زیادی سازگاری زناشویی را پیش بینی می کند. در گام سوم، تعامل دلبستگی ایمن و استحکام من نیز وارد معادله شده است و همان طور که

همان طور که مشاهده می شود این تعامل معنادار نیست ($B = -0.1, P > 0.05$) در نتیجه اثر تعدیل کننده وجود ندارد.

یعنی استحکام من به میزان زیادی سازگاری زناشویی را پیش بینی می کند. در گام سوم، تعامل دل بستگی دوسوگرا و استحکام من نیز وارد معادله شده است و

جدول شماره ۵- اثر تعدیل کننده استحکام من بر سبک دل بستگی دوسوگرا و سازگاری زناشویی

مدل	B	β	T	P
۱ (ثابت)	-۵/۸		۰	۱
Z سبک دل بستگی ایمن	۰/۳	۰/۳	۴/۵	۰/۰۰۱
۲ (ثابت)	-۲/۹		۰	۱
Z سبک دل بستگی ایمن	۰/۲	۰/۲	۳/۴	۰/۰۰۱
Z استحکام من	-۰/۴	-۰/۴	-۷/۵	۰/۰۰۱
۳ (ثابت)	-۰/۰۱		-۰/۳	۰/۸
Z سبک دل بستگی ایمن	۰/۲	۰/۲	۳	۰/۰۰۱
Z استحکام من	-۰/۴	-۰/۴	-۷/۳	۰/۰۰۱
Z سبک دل بستگی ایمن* Z استحکام من	-۰/۱	-۰/۱	-۱/۵	۰/۱

متغیر ملاک: سازگاری زناشویی (استاندارد شده)

بحث

به خود و دیگران دارند. آنها احساس می کنند که ارزش دریافت عشق را دارند و دیگران به درخواست آنها برای حفاظت و حمایت پاسخ می دهند. در نتیجه در روابطشان صمیمیت بیشتر، وابستگی متقابل، تعهد، اعتماد و رضایت بیشتری را تجربه می کنند. این افراد ارزش زیادی برای روابط نزدیک قائلند و قادرند این روابط را حفظ کنند. از آنجایی که میزان تعارضات و شیوه برخورد با آنها از عوامل مؤثر در کسب رضایت در رابطه است، افراد ایمن به علت موفقیت بیشتر در جلوگیری از بروز تعارضات و استفاده از شیوه های سازنده تر برای حل آنها، رضایت بیشتری را در روابط شان تجربه می کنند. به طور کلی، افراد با سبک دل بستگی ایمن هنگامی که در رابطه رمانتیک شان با تعارضات روبرو می شوند، بیشتر رفتارهای سازگار نشان می دهند (۱۲). علاوه بر این، دل بستگی ایمن که به معنای تصویر مثبت از خود و دیگران است، با رفتارهای با هدف ارضا نیازهای خود و دیگری مرتبط است.

بین سبک دل بستگی نایمن و سازگاری زناشویی رابطه منفی وجود دارد. در این پژوهش دل بستگی نایمن به صورت دو سبک دل بستگی اجتنابی و دوسوگرا در نظر گرفته شد. این افراد دیدی منفی نسبت به زوجشان دارند

مطالعه نشان داد که بین سبک دل بستگی ایمن و سازگاری زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. این نتایج با مطالعات پیشین (۱۰ و ۱۲) هماهنگ است. بین سبک دل بستگی نایمن و سازگاری زناشویی رابطه منفی وجود دارد (۱۰). همچنین مشخص شد بین استحکام من و سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. سبک های دل بستگی دارای سه سطح ایمن، اجتنابی و دوسوگراست. بنابراین مشخص شد که استحکام من فقط در رابطه بین سبک دل بستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی نقش تعدیل کننده دارد. زوجینی که دل بستگی اجتنابی در خانواده آنان بیشتر است، در صورت استحکام من کمتر، سازگاری زناشویی در آنان کمتر است و در صورت استحکام من بیشتر، سازگاری زناشویی بیشتری دارند. در موارد دیگر بالا یا پایین بودن استحکام من می تواند در رابطه بین سبک های دل بستگی و سازگاری زناشویی تأثیر گذر باشد اما این اثر به اندازه ای نیست که معنادار باشد.

طبق مدل دل بستگی مطرح شده توسط Bartholomew و Horowitz (۲) که مبتنی بر دو مدل درونکاری (مدل خود و مدل دیگری) است، افراد ایمن نگاه مثبتی نسبت

سختی به دیگران اعتماد می‌کنند و به آن‌ها تکیه می‌کنند و از این که دیگران به آن‌ها وابسته شوند ناراحتند. به هنگام ارتباط نزدیک با دیگران احساس بدی دارند و معمولاً شریک عشقی‌شان خواهان صمیمیت بیشتری از آن‌ها است (۲).

بین استحکام من و سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معنی داری تأیید شد که با نتایج پژوهش‌های پیشین هماهنگ بود. مفهوم استحکام من به عملکرد روانی افراد در ارتباط با خود و محیط اشاره دارد. استحکام من بالاتر، تحمل و ظرفیت افراد را در مقابل اضطراب ناشی از مطالبات نهاد و فرامن را افزایش می‌دهد. افراد دارای استحکام من بالاتر در مواقع استرس‌زا مثل مشاجره‌های زناشویی با انعطاف پذیری بهتر عمل می‌کنند. این افراد توانایی این را دارند که خشم خود را کنترل کنند و احساسات خود را به گونه‌ای مناسب بیان کنند. افراد با استحکام من بالاتر مهارت‌های مقابله‌ای کارآمدتری را برای حل تعارضات خود به کار می‌برند. استحکام من بالاتر سبب می‌شود که این افراد تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتری در روابط خود داشته باشند. طبق مراحل رشد نظریه روانی اجتماعی Erikson، حل موفقیت آمیز بحران مربوط به هر مرحله منجر به وارد شدن به مرحله بعدی رشد خواهد شد. علی‌رغم این که تمامی فضیلت‌های به وجود آمده در این مراحل در زندگی زناشویی اهمیت دارند، دو فضیلت عشق و مراقبت عناصر مهمی برای تشکیل و ادامه موفق روابط زناشویی هستند. تداوم تعهد به رابطه از مراقبت پدید می‌آید. مراقبت یعنی توانایی بسط عشق و محبت و مراقبت از همه افراد و چیزهایی که برای فرد اهمیت دارند. از نظر Block (۸) مهار من و تاب آوری من دو ویژگی استحکام من محسوب می‌شوند. مهار من به تمایل ابراز احساسات و تکانه‌ها اشاره دارد. افراد با مهار من بیشتر به راحتی قادر به ابراز احساسات و نیازهای خود نیستند و تأخیر غیر ضروری در ارضای نیازها دارند که به نوبه خود می‌تواند مشکلاتی را در رابطه پدید آورد، در مقابل افراد کم مهارگر به راحتی احساسات خود را بیان می‌کنند و به ارزش‌های اجتماعی کمتر پایبندند که می‌تواند احتمال خیانت و ناتوانی در تعهد به رابطه را در بین زوجین افزایش دهد. بنابراین، برای

در نتیجه، درجات پایین‌تری از اعتماد، صمیمیت و حمایت عاطفی در رابطه ایجاد می‌شود (۲۷-۳۰). افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا، دیدی منفی نسبت به خود دارند ولی دیدشان نسبت به دیگران مثبت است (۲). این افراد هنگامی احساس مثبت نسبت به خود دارند که تأیید و عشق دیگران را کسب کنند. این نیاز قوی موجب می‌شود که این افراد در روابطشان بسیار کنترل‌کننده و سلطه‌جو باشند. این افراد بسیار حسود، وسواسی و وابسته هستند و از طرد شدن به شدت هراس دارند، احساساتشان را به صورت بسیار اغراق آمیز ابراز می‌کنند طوری که دیگران از آنها دوری می‌جویند (۲۰)، در نتیجه نمی‌توانند روابط موفق را تجربه کنند. افراد با سبک دلبستگی اجتنابی از صمیمیت می‌ترسند. ترس از صمیمیت پیش‌بینی‌کننده منفی سازگاری زناشویی است. این افراد تمایل کمتری به برقراری روابط نزدیک دارند و روابط رمانتیک ارضا کننده ندارند. صمیمیت یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سازگاری در رابطه است. در یک رابطه صمیمی افراد نزدیکی عاطفی بیشتری را احساس می‌کنند؛ باورها، نگرش‌ها، افکار و احساساتشان را بهتر تبادل می‌کنند و همدلی بیشتری دارند. نیاز افراد به صمیمیت و توانایی‌شان در برقراری روابط صمیمی متفاوت است. هرچه افراد شباهت بیشتری در میزان نیاز به صمیمیت و الگوهای برقراری روابط صمیمی داشته‌باشند، روابط موفق‌تری را تجربه می‌کنند. با توجه به این که افراد دارای ترس از صمیمیت، به علت اضطراب، به اشتراک گذاشتن افکار و عواطفشان با دیگران بازداری شده است نمی‌توانند روابط نزدیک موفق را تجربه کنند. افراد با سبک دلبستگی اجتنابی، احساس می‌کنند که ارزش دریافت عشق را ندارند و به دیگران برای دریافت حمایت نمی‌توان اعتماد کرد. آنها از دیگران دوری می‌کنند تا خود را در برابر احتمال طرد شدن از طرف دیگری محافظت کنند. در نتیجه، افراد اجتنابی در روابطشان وابستگی متقابل، تعهد، اعتماد و رضایت بسیار کمتری دارند (۲۷). افراد با سبک دلبستگی اجتنابی، نگرش مثبت به خود و نگرش منفی به دیگران دارند و افراد با دلبستگی دوسوگرا نسبت به خود و دیگران نگرش منفی دارند. دلبسته‌های اجتنابی به

سازگاری زناشویی بیشتر افراد باید تا حد ممکن کم مهارگر و در شرایط لازم بیش مهارگر باشند. تاب آوری میزان انعطاف فرد را در مواجهه با شرایط استرس زا مشخص می‌کند. افراد با تاب آوری من بالاتر قادر به مدیریت وضعیت‌های جدید هستند در مقابل افراد با تاب آوری من پایین در مواجهه با مشکلات به صورت شکننده و سردرگم عمل می‌کنند که در هر صورت ناپه‌نجا است. استحکام من فقط در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی نقش تعدیل کننده دارد. زوجینی که دلبستگی اجتنابی در خانواده آنان بیشتر است، در صورت استحکام من کمتر، سازگاری زناشویی در آنان کمتر است و در صورت استحکام من بیشتر، سازگاری زناشویی بیشتری دارند. در موارد دیگر بالا یا پایین بودن استحکام من، می‌تواند در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی تأثیرگذر باشد اما این اثر به اندازه‌ای نیست که معنادار باشد در توجیه نقش تعدیل کنندگی سبک دلبستگی اجتنابی در رابطه بین استحکام من و سازگاری زناشویی می‌توان گفت افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به هیجاناتشان کمتر توجه می‌کنند و بیشتر آن‌ها را سرکوب می‌کنند به این صورت که بخش هیجانی مربوط به افکار و خاطرات را انکار می‌کنند یا توجه خود را از بخش‌های هیجانی مربوطه پرت و به صورت کلامی یا غیر کلامی از بیان هیجان‌ها اجتناب می‌کنند. در مقایسه با سبک دلبستگی دوسوگرا، سبک دلبستگی اجتنابی با شدت بیشتری از بیان هیجان‌هایشان اجتناب می‌کنند که به نوبه خود باعث می‌شود فرد به خوبی از هیجانات خود آگاهی نداشته باشد. بنابراین استحکام من بیشتر در افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به معنی توانایی بهتر آن‌ها به هنگام مواجهه با مشکلات است. بدین ترتیب که دسترسی بیشتری به هیجانات خود دارند و بهتر آنها را بیان می‌کنند که به نوبه خود باعث افزایش سازگاری می‌شود (۹).

مفهوم دلبستگی و استحکام من به هم بسیار نزدیک هستند. Block (۸) بیان کرد ساختارهای عملکردی من را می‌توان معادل معادل‌های درونکاری در نظریه Bowlby قرار داد. Block (۸) روند رشد روانشناختی در کودک و تأثیر محیط بر آن را شرح داد. سیستم‌های

تنظیم کننده من به دلیل تأثیر بافت و محیط بر رشد در یک فرد رشد می‌یابند اما در فرد دیگر رشد پیدا نمی‌کنند. روند رشد دیالکتیکی است نه خطی. آنچه که در طول رشد برای فرد اتفاق می‌افتد و آنچه که خود فرد انجام می‌دهد، بر رشد زیستی، روانشناختی و اجتماعی وی تأثیر دارد. کودک ارتباط بین فردی با دیگران، توانایی تنظیم رفتار خود در انطباق با محدودیت‌های محیطی و بافت فرهنگی را پیدا می‌کند و اجتماعی می‌شود. در این روند، توانایی به تعویق انداختن و مهار تکانه، پیش نیاز پاسخ دهی سازمان یافته و با برنامه ریزی است. البته در روند رشد مهار من علاوه بر موضوعات شناختی باید حتماً به نقش هیجان‌ها و عواطف نیز توجه کرد. تعامل هیجانی با والدین در دسترس و پاسخگو بودن مادر، می‌تواند منجر به یادگیری‌هایی در کودک شود که زمینه‌ساز رشد مهار من در مراحل بعدی باشد. با اکتساب مهارت‌های زبانی، تغییری اساسی در رفتارها و شیوه والدگری و توانایی‌های شناختی کودک ایجاد می‌شود. با اکتساب زبان، کودک توانایی تنظیم رفتار به صورت کلامی را پیدا می‌کند، اکتساب دانش به صورت اختصاصی افزایش می‌یابد، کنترل والدین کم می‌شود و توانایی کودک برای تأثیرگذاری بر رفتار والدین مرتباً افزایش پیدا می‌کند. زبان درونی نوعی ابزار کمکی در رشد توانایی مهار من است. مهارت دیگری که تقریباً همزمان با اکتساب زبان در کودک به وجود می‌آید، ظهور مفهوم خود (آگاهی فرد از خود به عنوان یک موضوع) است. Luis بیان کرد خودآگاهی در ظهور هیجان‌هایی مانند شرم، گناه و دروغ نقش مهمی دارد. این هیجان‌ها انگیزه‌های مهمی برای همکاری فعال بیشتر کودک در فرایند اجتماعی شدن فراهم می‌کنند، در نتیجه توانایی کودک برای اکتساب اطلاعات باارزش در مورد خود و در ارتباط با دیگران افزایش می‌یابد. به احتمال زیاد این روند رشدی، صحنه را برای رشد و توسعه ساختار پیچیده سلسله مراتبی مهار من و تاب‌آوری من فراهم و آماده می‌کند که در آن ظرفیت‌ها و توانایی‌های ادراکی، شناختی و رفتاری سطح پایین با سیستم‌های هیجانی-انگیزشی و متمرکز بر هدف سطح بالا مرتبط می‌شود. رفتار والدین تأثیر مهمی در شکل‌گیری و رشد

رفتار اکتشافی و انعطاف پذیری در افراد ایمن نسبت به افراد نایمن به مراتب بالاتر است. مهارت‌های حل مسئله در افراد ایمن محصول عمل بهنجار اکتشافگری است که مشکلات زناشویی را کاهش می‌دهد (۱۷).

تجربه تعامل با مراقب حساس و ایمنی در دلبستگی با تاب آوری من بالاتر همبستگی دارد و به فرد این امکان را می‌دهد تا بدون تجربه علائم آسیب شناختی روانی به مشکلات و اتفاقات بد زندگی پاسخ دهد. تجربه ایمنی در دلبستگی، منجر به رویکردی باز و گشوده به زندگی می‌شود، توانایی تنظیم هیجان را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود کودک بدون احساس خطر و تهدید مشکلات را حل کند (۲۸).

نتیجه گیری

مطالعه نشان داد که سبک‌های دلبستگی و استحکام من با سازگاری زناشویی رابطه دارند و استحکام من می‌تواند در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی نقش تعدیل کننده ایفا کند. در سطح نظری، مطالعه حاضر می‌تواند به افزایش دانش در زمینه شناخت بیشتر عوامل ایجاد کننده و همبسته‌های سازگاری زناشویی کمک کند. این مطالعه می‌تواند با ایجاد سؤالاتی جدید در خصوص تأثیر این متغیرها و رابطه آنها با سازگاری زناشویی آغازگر افکار نوین باشد. سؤالاتی مثل آیا متغیرهای دیگری نیز وجود دارند که بتواند رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی را تعدیل کنند؟ در سطح عملی نیز با توجه به تأکید تمامی این نظریه‌ها بر محیط خانواده و نحوه تربیت فرزندان، این پژوهش می‌تواند تذکراتی راجع به ایجاد یک محیط حامی برای پرورش بهتر افراد، و راهبردهای جدید در جهت درمان‌های روانشناختی روابط زناشویی داشته باشد.

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی نویسنده اول در دانشگاه پردیس فارابی دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۴ می‌باشد. نویسندگان این مقاله از تمامی زوجین شهر اصفهان که صبورانه ما را در تکمیل پرسشنامه‌ها یاری نمودند، کمال تشکر را دارند.

ساختارهای شناختی و شناختی-انگیزشی من دارد. برانگیختگی عاطفی در سطح بهینه در روابط بین والد و کودک و ثبات و همسانی یا عدم ثبات رفتارها و اصول تربیتی والدین دو عامل تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری ساختارهای من است (۸). استحکام من و زیرمؤلفه‌های آن (تاب آوری و مهار من) تحت تأثیر دلبستگی رشد می‌کند و به سازگاری افراد تأثیر می‌گذارد. ایمنی به عنوان یک عامل ایجاد کننده تاب آوری محسوب می‌شود. افراد دارای سبک دلبستگی ایمن توانایی تنظیم مؤثر پاسخ‌های هیجانی را به موقعیت‌های مختلف دارند (۲۹). سبک دلبستگی ایمن باعث تقویت تاب آوری من و در نتیجه سازگاری بهتر می‌شود. دلبستگی و تاب آوری هر دو از پیش بینی کننده‌های توضع، قدر دانی و بخشش در رابطه هستند (۱۴). پاسخگو و حساس بودن مراقب سبب می‌شود که در طول مراحل رشد نیازهای رشدی من به نحو مناسبی ارضا و روند رشد به صورت بهنجار طی شود که نتیجه آن شکل‌گیری یک من مستحکم در فرد است. کودک دارای سبک دلبستگی ایمن یاد می‌گیرد که به گونه‌ای مؤثر به حل مسئله بپردازد که خود از اعتماد کودک به خود و دیگران نشأت می‌گیرد. برعکس در افراد با سبک دلبستگی نایمن عدم اعتماد به دیگران منجر به ادراک خودکارآمدی پایین در حل مسئله می‌شود (۱۶).

به یقین اعتماد یکی از مطلوب ترین کیفیت‌ها در هر رابطه نزدیک و صمیمی است و اغلب در کنار تعهد و عشق به عنوان هسته مرکزی یک رابطه ایده آل در نظر گرفته می‌شود. نبود اعتماد در روابط زناشویی تعاملات صمیمی و احساس امنیت را به تباهی می‌کشد و سطوح بالاتر اعتماد سبب افزایش میزان تعهد در روابط زناشویی می‌شود. نوع سبک دلبستگی که افراد نشان می‌دهند در میزان اعتمادی که همسر احساس می‌کند، بسیار مهم است و بر اساس نظریه Erikson، استحکام من امید با حل موفقیت آمیز مرحله روانی-اجتماعی اعتماد در برابر بی‌اعتمادی در دوران نوزادی به وقوع می‌پیوندد. امید اشکال دیگر تعهدات مرتبط با استحکام من دوران بزرگسالی یعنی عشق و مراقبت را تسهیل می‌کند (۲۴).

REFERENCES

1. Ainsworth MD, Blehar MC, Waters E, Wall SN. Patterns of Attachment: A Psychological Study of the Strange Situation. Psychology Press; 2015 Jun 26.
2. Bartholomew K, Horowitz LM. Attachment Styles Among Young Adults: a Test of a Four-category Model. *Journal of personality and social psychology*. 1991 Aug;61(2):226.
3. Bauer JJ, Schwab JR, McAdams DP. Self-actualizing: Where Ago Development Finally Feels Good?. *The Humanistic Psychologist*. 2011 Apr 1;39(2):121-36.
4. Besharat MA. Attachment styles and alexithymia. *Scientific Information Database*. 2010: 80-63. [Full text in Persian].
5. Besharat MA. Development and Validation of Ego- Strength Scale. Research Report. University of Tehran, 2006. [Full text in Persian].
6. Besharat MA, Ghanghi P. The Moderating Role of Attachment Styles on The relationship of Alexithymia with Marital Satisfaction. *J Fundament Mental Health*. 2013;14(4):324-5.
7. Besharat MA. Psychotherapeutic Foundations of Attachment Theory. *Rooyesh-e-ravanshenasi* 1, no. 1. 2012: 38-15.
8. Block J. Personality as an Affect-processing System: Toward an integrative theory. Psychology Press; 2002 Feb 1.
9. Caldwell JG, Shaver PR. Exploring the Cognitive-emotional Pathways between Adult Attachment and Ego-resiliency. *Individual Differences Research*. 2012 Sep 1;10(3):141-52.
10. Collins NL, Feeney BC. A Safe Haven: an Attachment Theory Perspective on Support Seeking and Caregiving in Intimate Relationships. *Journal of personality and social psychology*. 2000 Jun;78(6):1053.
11. Collins NL, Feeney BC. An Attachment Theory Perspective on Closeness and Intimacy. *Handbook of closeness and intimacy*. 2004 Apr 13:163-87.
12. Corcoran KO, Mallinckrodt B. Adult Attachment, Self-efficacy, Perspective Taking, and Conflict Resolution. *Journal of Counseling & Development*. 2000 Oct 1;78(4):473-83.
13. DiTommaso E, Brannen-McNulty C, Ross L, Burgess M. Attachment Styles, Social Skills and Loneliness in Young Adults. *Personality and Individual Differences*. 2003 Jul 31;35(2):303-12.
14. Dwiwardani C, Hill PC, Bollinger RA, Marks LE, Steele JR, Doolin HN, Davis DE. Virtues Develop from a Secure Base: Attachment and Resilience as Predictors of Humility, Gratitude, and Forgiveness. *Journal of Psychology and Theology*. 2014 Mar 1;42:83-90.
15. Farahani H, Oreizi H. *Modern Methods of Research in the Humanities*. Isfahan: Jahad University Publication; 2007. [Full text in Persian].
16. Gross JJ. Emotion Regulation in Adulthood: Timing is Everything. *Current Directions in Psychological Science*. 2001 Dec 1;10(6):214-9.
17. Hauser ST. Loevinger's Model and Leasure of Ego Development: A Critical Review, II. *Psychological Inquiry*. 1993 Jan 1;4(1):23-30.
18. Hazan C, Shaver P. Romantic Love Conceptualized as an Attachment Process. *Journal of personality and social psychology*. 1987 Mar;52(3):511.
19. John OP, Gross JJ. Individual Differences in Emotion Regulation. *Handbook of emotion regulation*. 2007:351-72.
20. Johnson DR, Amoloza TO, Booth A. Stability and Developmental Change in Marital Quality: A Three-wave Panel Analysis. *Journal of Marriage and the Family*. 1992 Aug 1:582-94.
21. Kachooei M, Fathi-Ashtiani A. The Role of Job Satisfaction and Ago Strengths in Marital Satisfaction in Military Staff in Tehran. *Journal Mil Med*. 2013 Apr 15;15(1):17-24. [Full text in Persian].

22. Letzring TD, Block J, Funder DC. Ego-control and Affective-resiliency: Generalization of Self-report Scales Based on Personality Descriptions from Acquaintances, Clinicians, and the Self. *Journal of research in personality*. 2005 Aug 31;39(4):395-422.
23. Madathil J, Benshoff JM. Importance of Marital Characteristics and Marital Satisfaction: A Comparison of Asian Indians in Arranged Marriages and Americans in Marriages of Choice. *The Family Journal*. 2008 Jul 1;16(3):222-30.
24. Markstrom CA, Marshall SK. The Psychosocial Inventory of Ego Strengths: Examination of Theory and Psychometric Properties. *Journal of adolescence*. 2007 Feb 28;30(1):63-79.
25. Moore BE, Fine BD. *Psychoanalytic Terms and Concepts*. Yale University Press; 1990.
26. Rust J, Golombok S. The Golombok Rust Inventory of Marital State: a Reflection. *Sexual and Relationship Therapy*. 2010 Feb 1;25(1):54-6.
27. Simpson JA, Rholes WS, Nelligan JS. Support Seeking and Support Giving within Couples in an Anxiety-Provoking Situation: The Role of Attachment Styles. *Journal of personality and social psychology*. 1992 Mar;62(3):434.
28. Svanberg PO. Attachment, Resilience and Prevention. *Journal of Mental health*. 1998 Jan 1;7(6):543-78.
29. Terzi S. Secure Attachment Style, Coping with Stress and Resilience among University Students. *The Journal of Happiness & Well-Being*. 2013 Jul;1(2):97-109.
30. Vicary AM, Fraley RC. Choose Your Own Adventure: Attachment Dynamics in a Simulated Relationship. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 2007 Sep 1;33(9):1279-91.

Archive of SID

Original Article

The Moderating Role of Ego Strength on the Relationship between Attachment Styles and Marital Adjustment

Moloud Sivandian¹, Mohamad Ali Besharat², Mojtaba Habibi Asgarabad^{3*}, Ali Moghadamzade⁴

1. Master of Clinical Psychology, Faculty of Management and Accounting, Farabi campus of Tehran University, Qom, Iran

2. Full Professor, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Health Psychologist, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Psychology, Farabi campus of Tehran University, Qom, Iran

* **Corresponding Author** Mojtaba Habibi Asgarabad, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: mo_habibi@sbu.ac.ir

How to cite this article:

Sivandian M, Besharat MA, Habibi Asgarabad M, Moghadamzade A. The Moderating Role of Ego Strength on the Relationship between Attachment Styles and Marital Adjustment. Community Health 2016; 3(1): 41-53.

Abstract

Background and Objective: Adjustment between couples affects different aspects of life including mental and physical health. This study aimed to investigate the moderator role of ego strength in the relationship between attachment styles and levels of marital adjustment.

Materials and Methods: A total of 300 married individuals (150 men, 150 women) participated in this study. Participants completed Adult Attachment Style Questionnaire, Golombok-Rust Inventory of Marital State and Ego Strength Scale.

Results: Secure attachment style ($P < 0/005$, $r = -0/289$) and ego strength ($P < 0/005$, $r = -0/427$) have positive significant relationship with marital adjustment; avoidant ($P < 0/005$, $r = 0/302$) and ambivalent ($P < 0/005$, $r = 0/251$) attachment styles have negative significant relationship with marital attachment. The results showed that ego strength had moderator role only in relationship between avoidant attachment style and marital adjustment ($P = 0/039$). Couples who had avoidant attachment style in their families, had less ego strength, they had low level of marital adjustment and if they had higher levels of ego strength, their marital adjustment would be higher too. Therefore, research findings showed that attachment styles and ego strength can predict marital adjustment.

Conclusion: Research showed that attachment styles and ego strength can predict marital adjustment.

Keywords: Attachment, Ego Strength, Marital Adjustment